



فرہنگ نامہ سخن و بسکوت

محمدی ری شہری
مرتضیٰ خوش نصیب

سرشناسه	:	محمدی ری شهری، محمد، ۱۳۲۵-۱۴۰۱؛ خوش نصیب، مرتضی، ۱۳۴۲ - . Mohammadi Reyshahri, Mohammad, 1946-2022
عنوان و نام پدیدآور	:	فرهنگ نامه سخن و سکوت/ محمد محمدی ری شهری، مرتضی خوش نصیب؛ ترجمه احادیث مرتضی خوش نصیب؛ ویراستار محمدباقری زاده اشعری.
مشخصات نشر	:	قم : موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	:	۲۶۵ ص.؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
فروست	:	فرهنگنامه ها؛ ۲۰.
شابک	:	978-622-207-192-9
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
یادداشت	:	کتابنامه به صورت زیرنویس.
موضوع	:	گفتار -- جنبه های مذهبی -- اسلام Speech -- Religious aspects -- Islam سکوت -- جنبه های مذهبی -- اسلام Silence -- Religious aspects -- Islam
شناسه افزوده	:	خوش نصیب، مرتضی، ۱۳۴۲ -
رده بندی کنگره	:	۲۵۱BP
رده بندی دیویی	:	۶۳۴/۲۹۷
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۱۱۰۶۵۶
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیا

WWW

فرهنگ‌نامه سخن و سکوت

محمد محمدی ری شهری

مرتضی خوش نصیب

مترجم: مرتضی خوش نصیب

مصدریاب: رضا بیرانوند

پژوهشکده علوم و معارف حدیث: ۲۸۲

شماره فروست فرهنگ‌نامه‌ها: ۲۰

ویراستار فارسی: محمد باقری زاده اشعری

ویراستار عربی: حسنین دباغ‌پور

نمونه‌خوان: علی نقی پارسانیا

حروفچینی: حسین افخمیان

صفحه‌آرا: مهدی خوشرفتار اکرم

طراح جلد: حسن فرزنانگان

ناشر: مؤسسه انتشاراتی دار الحدیث

چاپ: اول، ۱۴۰۲ ش چاپخانه: خانه چاپ جمکران

شمارگان: ۵۰۰

مؤسسه انتشاراتی دار الحدیث: قم، میدان شهدا، ابتدای خیابان معلم، پلاک ۱۲۵

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۱۶۵ و ۰۲۵-۳۷۷۴۰۵۲۳ - ص.پ: ۳۷۱۸۵/۴۴۶۸

<http://darolhadith.ir>

darolhadith.20@gmail.com

پیش‌گفتار ۷

درآمد ۹

بخش اول: سخن

فصل اول: ویژگی‌های زبان ۱۹

فصل دوم: جایگاه سخن ۲۷

فصل سوم: مراقبت از زبان ۴۵

فصل چهارم: آسیب‌های زبان ۷۳

فصل پنجم: انواع سخن ۱۰۵

فصل ششم: آرایه‌های سخن ۱۴۱

فصل هفتم: امیران سخن ۱۹۵

فصل هشتم: سخنان فراگیر و کامل ۱۹۹

بخش دوم: سکوت

فصل اول: فضیلت‌های سکوت ۲۰۵

فصل دوم: تشویق به سکوت طولانی ۲۱۵

فصل سوم: ادب سکوت ۲۲۳

فصل چهارم: آثار سکوت ۲۲۷

فصل پنجم: عوامل سکوت ۲۳۷

فصل ششم: آن‌جا که سکوت بسیار، زینده است ۲۴۵

فصل هفتم: آن‌جا که سکوت، زینده نیست ۲۵۵

فهرست تفصیلی ۲۵۹

ستایش و سپاس، تنها سزاوار ایزد متعال است که انسان را آفرید و به او توان سخن گفتن داد.^۱ و سلام و درود بر پیامبر رحمت و اهل بیت گرامی او که سخن‌شناس‌ترین و سخنورترین مردمان اند.^۲

سخن گفتن شایسته و بایسته، گاه یک ضرورت است و گاه امری نیکو، همچنان که سخن گفتن نابه‌جا، امری نکوهیده است و گاه ممنوع. بر این اساس، منابع معرفتی دین، بر «سخن خوب گفتن» و «خوب سخن گفتن» تأکید بسیار کرده‌اند، همچنانکه سکوت را در بسیاری موارد لازم و ضروری شمرده‌اند.

فرهنگ‌نامه سخن و سکوت، در پی بر نمودن ظرافت‌های «سخن گفتن» و «سخن ناگفتن» بر اساس آیات و روایات است. این مجموعه، یکی از مدخل‌های دانش‌نامه قرآن و حدیث است که با توجه به نیاز جامعه مخاطب، به صورت جداگانه نیز منتشر می‌شود.

رحمت و غفران خداوند متعال بر روان آیه الله محمدی ری‌شهری رحمه الله (بنیان‌گذار مؤسسه دار الحدیث و سرمؤلف دانش‌نامه قرآن و حدیث) که طراح این اثر و دیگر مدخل‌های دانش‌نامه یاد شده با سعی و تلاش فراوان ایشان به انجام رسید! تلاش مجدانه حجة الإسلام و المسلمین جناب آقای مرتضی خوش‌نصیب - که یاریگر اصلی این پژوهش و مترجم آن بوده‌اند - نیز شایسته قدردانی است.

همچنین سپاس‌گزاری از پژوهشگرانی را که در تدوین آثار پژوهشکده علوم و معارف حدیث مشارکت دارند، وظیفه خود می‌دانم. به مدد الهی، دیگر مدخل‌های دانش‌نامه قرآن و حدیث که قابلیت تک‌نگاری دارند نیز در اختیار علاقه‌مندان قرار خواهند گرفت.

امید که این اثر بر معرفت ما و خوانندگان بیفزاید و زمینه عمل به محتوای آیات و احادیث را در وجود ما فراهم آورد، بَمَنَّة و کَرَمِه.

سید محمد کاظم طباطبایی

پژوهشکده علوم و معارف حدیث

۱۴۰۱/۹/۲۰

^۱ (خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ؛ انسان را آفرید* [و] به او گفتار آموخت) الرحمن: آیه ۳ - ۴). در این باره، ر.ک: ص ۲۷ (فصل دوم: جایگاه سخن / ارزش گفتار).

^۲ ر.ک: ص ۱۹۵ ح ۴۹۰.

سخن گفتن، فعل ویژه انسان و متمایز کننده او از موجودات دیگر است و رفتار مقابل آن، سکوت و خاموشی است. این دو رفتار متقابل، تأثیری فراوان در چگونگی زندگی انسان و فرجام او دارند، تا جایی که برتری هر یک بر دیگری، مباحثه‌ای دیرین است که در جای خود باید بدان پرداخت. کتاب پیش رو در دو بخش جداگانه به گردآوری و تدوین متون دینی ناظر به این دو موضوع مهم و اثرگذار در سرنوشت انسان‌ها پرداخته و زمینه دآوری در میزان ارزشمندی هر یک از سخن و سکوت را فراهم ساخته است.

شایان توجه، این که: این اثر در صدد است تا با ارائه مستقیم آیات و احادیث اسلامی و چینش نظام‌مند آنها به گونه‌ای که در حد توان، نیازی به توضیح و تبیین مطالب نشود، رسالت تبلیغی خود را در باره موضوع کتاب به انجام رساند.

نیم‌نگاهی به فصل‌های کتاب

واژه‌های «کلام»، «قول»، «نطق»، «لسان» و برخی دیگر، از جمله کلیدواژه‌هایی هستند که در متون دینی ما با به کارگیری آنها، از موضوع «سخن گفتن» یاد شده است و هست و نیست‌ها، باید و نبایدها و جایگاه و احکام و آداب متعددی برای آن، بیان گردیده، با این تفاوت که تعبیر «لسان (زبان)» غالباً به معنای توان سخن گفتن و دیگر کلیدواژه‌های یاد شده، به معنای سخنان گفته شده به کار رفته‌اند.

در بخش نخست این کتاب و فصل اول آن، به پدیده شگفت‌تکلم و زبان‌آوری پرداخته شده است، با توصیف‌هایی از این دست که: زبان، حکایتگر نهفته‌های درون آدمی است یا زبان، ترازوی شخصیت آدمی است؛ زیرا سخنان افراد، به سان آینه‌ای، عقلانیت، استعداد و میزان دانش و مهارت آنان را به نمایش می‌گذارد.

فصل دوم به بیان جایگاه سخن و نقش آن در سعادت انسان اختصاص دارد؛ این که هر گاه فرد به مرحله پرهیزگاری و انسجام و استحکام درونی برسد و سخنش برآمده از خرد و حکمت و معرفت و قصدش از سخن گفتن، تبیین و ارشاد و پراکندن خیر و نیکی باشد، بی گمان در سخن گفتن و نه خاموش ماندن، مأجور و سزایند تشویق است. آن که سخنش از درونش می‌جوشد و از آبشخور وحی و عقل فطری می‌نوشد و حاصل اندیشه و مطالعه و تجربه‌هایش را بر زبان جاری می‌کند، بسی شایسته‌تر است سخن بگوید، نه آن که خاموش بماند.

مجموع آیات و احادیث این فصل نشان می‌دهد که خواست خدای متعال، خاموش ماندن انسان نبوده است، و گرنه این دستگاه پیچیده سخن گفتن - یعنی از مغز تا حنجره و از لب و دندان تا دهان و زبان - را نمی‌آفرید. دعوت دین به سکوت کردن، در فرض زاید و نامفید بودن گفتار و برای مهار کردن زبان است. به سخن دیگر، سفارش به سکوت، مزیت مطلق و همیشگی آن را بر سخن گفتن نمی‌رساند، بلکه آن گاه که فرد هنوز مهارت کافی در شناخت گفتار صواب و ناصواب را ندارد یا جایگاه طرح سخن را به درستی نمی‌شناسد و یا قادر به سنجش پیامدهای آن نیست، باید سکوت کند.

از سوی دیگر، تجویز سخن گفتن، نه به معنای درازگویی است؛ چرا که سخن خوب را می‌توان کوتاه و رسا و شیوا گفت، در صورتی که فرد گوینده به درجاتی از کمال عقلانی دست یافته باشد. افزون بر این، هر گاه انسان بداند که در باره گفتارش نیز همچون کردارش، حسابرسی و مؤاخذه می‌شود، میل به خاموشی و کمتر سخن گفتن در وی بیشتر می‌گردد. در مقابل، این را نیز باید دانست که گاه ساکت ماندن در برابر ستم یا خودداری از ارشاد دیگران و امر به معروف و نهی از منکر، نارواست. کوتاه سخن، این که: ارزش سخن و سکوت، وابستگی کامل به وظیفه عقلی و شرعی و اخلاقی انسان دارد.

فصل سوم، ناظر به حفظ زبان و فضیلت مراقبت و نگهداشت آن از لغزش در گفتار است.

احادیث این فصل، افزون بر تشویق به حفظ زبان، به خاستگاه آن نیز اشاره کرده‌اند، مانند: خردورزی، معرفت، ایمان، پرهیزگاری، خداترسی و نیز توجه به مؤاخذه شدن انسان به سبب گفتارش، ضمن این که برای موفقیت در این مورد نیز همچون دیگر ارزش‌های اخلاقی، دعا و درخواست از خداوند، بس مهم و اثرگذار است.

مقطع پایانی این فصل نیز به آثار حفظ زبان اشاره دارد و این که مراقبت از زبان، در گستره شخصی، آسودگی و سلامت، و تکامل ایمان و دریافت حکمت و در عرصه اجتماعی، شخصیت و عزت انسانی و پوشیدگی عیب و دست یافتن به جایگاه امن و نیز قدرت اداره دیگران را به ارمغان می‌آورد و سرانجام، در مسیر عاقبت به خیری، به آدمی قدرت غلبه بر شیطان و راهیابی به بهشت را هدیه می‌دهد.

فصل چهارم، حکایتگر آسیب‌هایی است که از راه سخن گفتن، گریبانگیر افراد می‌شود. با مطالعه متون این فصل، می‌توان دلیل نکوهش زبان در برخی از آنها را دریافت. از نگاه این متون دینی اگر زبان رها و بی مهار گذارده شود، پیامدهای ناگوار و لغزش‌های پیاپی آن اجتناب ناپذیر خواهد بود.

افزون بر این، زبان بی‌مهار موجب نکوهش مردم و مایه ناخشنودی الهی و هلاکت و عذاب اخروی است. این، در حالتی است که برخی اخلاق پژوهان مانند غزالی و فیض کاشانی، دهها آسیب اخلاقی را برای زبان برشمرده‌اند.^۱

فصل پنجم، به گونه‌بندی سخن پرداخته است. برخی گفتارها شایسته و برخی سخنان ناشایست اند. سخنی که برای یاد خدا و جبران خطای گذشته و تشویق دیگران به کار نیک یا آشتی دادن دو انسان و یا برای یاری حق باشد، بی تردید زمینه پاداش الهی را فراهم می‌آورد. در دیگر سو، سخن ناروا و باطل و نامفهوم و ناسنجیده و ناهمساز و دروغ و بیهوده و زشت و نیز گفتار بدون پشتوانه اعتقادی یا عملی، سخنی نکوهیده است. بر این سیاهه می‌توان افزود: سخنی که بیم تکذیبش از سوی مخاطب می‌رود، یا بر زبان آوردن آنچه را نمی‌دانیم و بدان اطمینان نداریم، یا گفتن همه آنچه را که می‌دانیم یا می‌شنویم. این مورد آخر، درد جامعه امروز است که به فضای مجازی مبتلاست. در این فضا و به دلیل راحتی نشر و نقل اطلاعات، برخی افراد، هر چه را

^۱ ر.ک: المحجة البيضاء: ج ۵ ص ۱۹۰.

دریافت می‌کنند، به سرعت و بدون تأمل و نقد، به اشتراک می‌گذارند. متأسفانه گاه سخن به تهمت و غیبت و دشنام و ناسزا و شوخی آزردهنده نیز آلوده می‌شود که گناहانی بزرگ به شمار می‌آیند.

از اینها که بگذریم، در این فصل، به پاره‌ای موارد مفید برای گویندگان و مبلغان هم اشاره شده است، مانند: سخن نگفتن برای کسی که نشاط گوش دادن یا قدرت درک سخن را ندارد.

فصل ششم، به آداب نیکوی سخن پرداخته است. کم‌گویی و پرهیز از زیاده‌گویی، سخن را نیکو می‌کند و رعایت سطح فهم مخاطب، آن را پذیرفتنی و تفکر و تدبّر در سخن و راستی و درستی گفتار، به سخن جان می‌بخشد. چگونگی ادای کلمات نیز مهم است. روان سخن گفتن، پرهیز از عجله، ناقص ادا نکردن کلمات و بریده بریده حرف نزدن، همه مهم و اثرگذارند، همچنان که نظم سخن و تدوین درست آن، توضیح کافی و نرمی و رعایت ادب هم از آداب دل‌پذیر کننده کلام اند.

این فصل همچنین صفات یک سخن خوب را بیان کرده است. نخستین صفت سخن، خیر بودن آن است. زبان خیر داشتن و سخن از نیکی گفتن، غنیمتی گران‌بهاست. ویژگی دوم، طیب و پاکیزه بودن است. سخن پاک و پاکیزه در زمین نمی‌ماند؛ بلکه پرواز می‌کند و اوج می‌گیرد و عزت پیدا می‌کند.^۱ نرمی، استواری، سلامت، شایستگی، بزرگواری، نیکویی، سودمندی، عادلانه بودن، حق‌مدارانه بودن، حکیمانه بودن، درستی، زیبایی، رسایی، شیوایی و شیرین بودن، از ویژگی‌های یک سخن خوب و دل‌پذیرند.

بر این پایه و به اتکای برخورداری از معرفت ناب و حیانی می‌توان خاندان عصمت و هدایت علیهم السلام را امیران بیان دانست؛ زیرا اصل در سخن، سرچشمه گرفتن آن از دانشی درست و استوار است. تسلط معرفتی اهل بیت علیهم السلام به نظام هستی، توان برقراری ارتباط صحیح میان مفاهیم، مهارت گزینش واژه‌های به‌جا و گویا و شیوا، و نیز مطابقت کامل رفتار و گفتار ایشان، زمینه نیل به قلّه سخنوری و تأثیرگذاری کلامی را برایشان فراهم نموده است. این بزرگواران، همچنین آداب و صفات نیکوی سخن را می‌دانستند و به کار می‌بردند و از این رو، افزون بر این که سخنانشان جامع است، آنها را به زیبایی هر چه تمام‌تر عرضه کرده‌اند.

دو فصل کوتاه هفتم و هشتم با پرداختن به نکته‌های یاد شده، نیمه نخست کتاب یعنی بخش سخن را به پایان می‌برند.

سکوت، خاموش ماندن و سخن نگفتن، موضوع بخش دوم و پایانی کتاب است که در هفت فصل تنظیم شده است.

در فصل نخست این بخش، به فضیلت و ارزش سکوت پرداخته شده است. سکوت برای اهل آن، عبادتی کم‌زحمت است که زمینه دریافت حکمت و نور الهی را فراهم می‌آورد، عیب آدمی را می‌پوشاند و بر آراستگی وی می‌افزاید. سکوت، خوبی نیکو، سراسر خیر و حافظ و یاور آدمی است.

^۱ (مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ؛ هر که عزت می‌خواهد، [بداند که] عزت، همگی از آن خداست. سخن پاک به سوی او بالا می‌رود و کردار نیک آن را بالا می‌برد). (ر.ک: فاطر: آیه ۱۰).

با وجود این فضیلت‌ها، روشن است که پیشوایان دینی به «سکوت» به عنوان اخلاقی نیکو و سودمند، ترغیب می‌کنند و حکیمانی مانند لقمان، آن را شیوه زندگی خود قرار می‌دهند. این، همان محتوای فصل دوم است.

در فصل سوم، آداب سخن نگفتن بررسی شده است. آیا هر سکوتی، در هر جایی و از سوی هر کسی مفید و اخلاقی است؟ آیا سکوت در برابر خیانت و زشتکاری رواست؟ سکوت دانا در پاسخ پرسش جستجوگران، چه طور؟ آیا سکوت بدون اندیشه و عبرت‌اندوزی، غفلت و بی‌خبری و بی‌تفاوتی نیست؟ پاسخ این پرسش‌ها را می‌توان در لا به لای احادیث این فصل یافت.

فصل چهارم، فواید و برکات خاموشی و سخن نگفتن را به نمایش می‌گذارد که از آن جمله است: فروکش کردن نزاع‌ها، رهیدن از سرزنش‌ها و دشمنی‌ها و نیز افزایش وقار و هیبت و عزت انسان.

فصل پنجم، به خاستگاه خاموش ماندن و سکوت پرداخته است. هر کسی که درون خود را بکاود، این واقعیت را در می‌یابد که دم فرو بستن و در غیر مورد نیاز سخن نگفتن، بر خلاف ظاهر آن، چندان هم کاری سهل و ساده نیست. بینشی استوار می‌باید تا موجب شود زبان، بیهوده و به ناحق گشوده نشود. از این روست که احادیث این فصل، گویای این نکته اند که عقل و علم، هر یک، زمینه معرفتی کم‌گویی و خاموشی را فراهم می‌کند و حلم و بردباری، زمینه اخلاقی لازم را برای جلوگیری از لجام گسیختگی زبان و تندخویی و بدگویی، آماده می‌سازد.

فصل ششم، مواردی را بر می‌شمارد که بر سکوت در آنها تأکید بیشتری شده است. سکوت هنگام تلاوت قرآن، در تشییع جنازه، در میدان نبرد، هنگام گوش دادن به خطبه نماز جمعه و نیز آن گاه که خشم یا رفتار نابخردانه کسی به فرد مقابل او فشار می‌آورد که مقابله به مثل کند. افزون بر این، جامعه اسلامی، جامعه سکوت و آرامش است و داد و هیاهو و غوغا در مجامع عمومی، گونه‌ای آلودگی صوتی به شمار می‌آید. از این رو شایسته است از آن پرهیز گردد.

فصل هفتم، به سکوت‌های نادرست اشاره دارد. سکوتی که نکته نغز و حکیمانه‌ای را از کسی دریغ می‌دارد، یا به حقپوشی به جای حقگویی می‌انجامد و یا گونه‌ای رضایت به منکر و ستم شمرده می‌شود، همه سکوت‌های نامطلوب اند.

فصل اول: ویژگی‌های زبان... ۱۹

۱ / ۱. حکایتگر دل... ۱۹

۲ / ۱. برپا دارنده بدن... ۲۱

۳ / ۱. سنجۀ آدمی... ۲۳

۴ / ۱. مؤثرترین عامل... ۲۵

فصل دوم: جایگاه سخن... ۲۷

۱ / ۲. ارزش گفتار... ۲۷

۲ / ۲. تشویق به نقد و ارزیابی سخن... ۳۵

۳ / ۲. تأثیر گفتار در سرنوشت آدمی... ۳۷

۴ / ۲. محاسبه شدن انسان با سخنانش... ۴۱

فصل سوم: مراقبت از زبان... ۴۵

۱ / ۳. حق زبان... ۴۵

۲ / ۳. فضیلت مراقبت از زبان... ۴۵

۳ / ۳. تشویق به مراقبت از زبان... ۴۹

۴ / ۳. عوامل مراقبت از زبان... ۵۵

۴ / ۳ - ۱. خرد... ۵۵

۴ / ۳ - ۲. شناخت... ۵۵

۴ / ۳ - ۳. ایمان... ۵۷

۴ / ۳ - ۴. پرهیزگاری... ۵۷

۴ / ۳ - ۵. خداترسی... ۵۷

۴ / ۳ - ۶. سخن را جزء عمل به شمار آوردن... ۵۹

۴ / ۳ - ۷. دعا... ۵۹

۵ / ۳ - ۵. آثار مراقبت از زبان... ۶۱

۵ / ۳ - ۱. آسایش... ۶۱

۵ / ۳ - ۲. سلامت... ۶۳

۵ / ۳ - ۳. ایمان کامل... ۶۳

۵ / ۳ - ۴. دریافت و نشر حکمت... ۶۵

۵ / ۳ - ۵. بالا رفتن جایگاه... ۶۵

۵ / ۳ - ۶. عزتمندی... ۶۵

۵ / ۳ - ۷. عیب‌پوشی... ۶۷

۵ / ۳ - ۸. چیره شدن بر شیطان... ۶۷

۵ / ۳ - ۹. امنیت... ۶۷

۵ / ۳ - ۱۰. دیگران را از آن خود کردن... ۶۹

۵ / ۳ - ۱۱. نجات یافتن... ۶۹

۵ / ۳ - ۱۲. بهشتی شدن... ۶۹

فصل چهارم: آسیب‌های زبان... ۷۳

۱ / ۴ - ۱. نکوهش زبان... ۷۳

۲ / ۴ - ۲. پیامدهای هرزه‌زبانی... ۷۷

۲ / ۴ - ۱. لغزش... ۷۷

۲ / ۴ - ۲. فتنه‌انگیزی... ۷۷

۴ / ۲ - ۳. پشیمانی... ۷۹

۴ / ۲ - ۴. خشم خدا و نکوهش مردم... ۷۹

۴ / ۲ - ۵. هلاکت... ۸۱

۴ / ۲ - ۶. کیفر ^اخروی... ۸۳

۴ / ۳. نکوهش کسی که از زبانش می‌هراسند... ۸۵

۴ / ۴. آنچه در سخن گفتن شایسته نیست... ۸۷

۴ / ۴ - ۱. بدون آمادگی قبلی سخن گفتن... ۸۷

۴ / ۴ - ۲. خود را بی‌حاصل به زحمت افکندن... ۸۷

۴ / ۴ - ۳. شتاب کردن... ۸۷

۴ / ۴ - ۴. در پی هر سخنی سوگند یاد کردن... ۸۹

۴ / ۴ - ۵. ^اإن شاء الله نگفتن... ۹۱

۴ / ۴ - ۶. بلند کردن صدا... ۹۱

۴ / ۴ - ۷. کم‌توانی در گفتار... ۹۱

۴ / ۴ - ۸. زیاده‌گویی... ۹۵

۴ / ۴ - ۹. ^اپرگویی و ناقص‌گویی... ۹۷

۴ / ۵. آثار ^اپرگویی... ۹۹

۴ / ۵ - ۱. لغزش زیاد... ۹۹

۴ / ۵ - ۲. کاهش معنا و محتوای گفتار... ۱۰۱

۴ / ۵ - ۳. خستگی شنونده... ۱۰۳

۴ / ۵ - ۴. سرزنش... ۱۰۳

۴ / ۵ - ۵. سنگ‌دلی... ۱۰۳

فصل پنجم: انواع گفتار... ۱۰۵

- ۱ / ۵. گونه‌های سخن... ۱۰۵
- ۲ / ۵. سخنانی که باید به آن روی آورد... ۱۰۵
- ۲ / ۵ - ۱. امر به معروف و نهی از منکر... ۱۰۵
- ۲ / ۵ - ۲. سازش میان مردم... ۱۰۷
- ۲ / ۵ - ۳. یاری حق... ۱۰۷
- ۲ / ۵ - ۴. یاد خدا... ۱۰۷
- ۲ / ۵ - ۵. آنچه لغزش‌های گذشته را جبران کند... ۱۰۹
- ۳ / ۵. سخنانی که باید از آن پرهیز کرد... ۱۰۹
- ۳ / ۵ - ۱. سخن ناروا... ۱۰۹
- ۳ / ۵ - ۲. سخن باطل... ۱۱۱
- ۳ / ۵ - ۳. سخن شبهه‌ناک... ۱۱۳
- ۳ / ۵ - ۴. سخن منحرف... ۱۱۵
- ۳ / ۵ - ۵. سخن بیهوده... ۱۱۵
- ۳ / ۵ - ۶. سخن بد... ۱۱۹
- ۳ / ۵ - ۷. سخن زشت و مستهجن... ۱۲۱
- ۳ / ۵ - ۸. سخن ضد و نقیض... ۱۲۳
- ۳ / ۵ - ۹. سخنی که گوینده‌اش آن را باور ندارد... ۱۲۳
- ۳ / ۵ - ۱۰. سخنی که گوینده‌اش به آن عمل نمی‌کند... ۱۲۵
- ۳ / ۵ - ۱۱. سخنی که در معرض تکذیب است... ۱۲۹
- ۳ / ۵ - ۱۲. نادانسته‌ها... ۱۲۹
- ۳ / ۵ - ۱۳. همه دانسته‌ها... ۱۳۳
- ۳ / ۵ - ۱۴. سخنی که پاسخش مایه رنجش است... ۱۳۵

۱۳۵- ۳ / ۵ . گفتار نابهنگام... ۱۳۵

۱۳۷- ۳ / ۵ . همه شنیده‌ها... ۱۳۷

۱۳۹- ۳ / ۵ . بیان لغزش‌های مردم... ۱۳۹

۱۳۹- ۳ / ۵ . سخن با شنونده بی‌حوصله... ۱۳۹

۱۳۹- ۳ / ۵ . سخن با فرد نامستعد... ۱۳۹

فصل ششم: آرایه‌های سخن... ۱۴۱

۱ / ۶ . آداب سخن... ۱۴۱

۱ / ۶ - ۱ . کاستن از سخن... ۱۴۱

۱ / ۶ - ۲ . زدودن زیاده‌های پیرایه‌ها... ۱۴۳

۱ / ۶ - ۳ . رعایت میزان درک مخاطب... ۱۴۷

۱ / ۶ - ۴ . اندیشه‌ورزی و ژرف‌نگری... ۱۴۹

۱ / ۶ - ۵ . راستگویی... ۱۵۱

۱ / ۶ - ۶ . شمرده بودن... ۱۵۳

۱ / ۶ - ۷ . نظام‌مندی... ۱۵۳

۱ / ۶ - ۸ . وضوح و آشکاری... ۱۵۵

۱ / ۶ - ۹ . رعایت ادب... ۱۵۵

۱ / ۶ - ۱۰ . مهربانی... ۱۵۵

۲ / ۶ - ۲ . ویژگی‌های برازنده سخن... ۱۵۷

۲ / ۶ - ۱ . خیر و نیکی... ۱۵۷

۲ / ۶ - ۲ . پاکیزگی... ۱۵۹

۲ / ۶ - ۳ . نرمش... ۱۶۳

۲ / ۶ - ۴ . سنجیدگی و استواری... ۱۶۵

۱۶۷... سلامت... ۲ / ۶ - ۵

۱۶۹... پسندیده بودن... ۲ / ۶ - ۶

۱۷۱... بزرگواری... ۲ / ۶ - ۷

۱۷۳... نیکویی... ۲ / ۶ - ۸

۱۷۷... سودمندی... ۲ / ۶ - ۹

۱۷۷... عدالت... ۲ / ۶ - ۱۰

۱۷۹... حقانیت... ۲ / ۶ - ۱۱

۱۸۳... حکیمانه بودن... ۲ / ۶ - ۱۲

۱۸۳... درستی... ۲ / ۶ - ۱۳

۱۸۵... زیبایی... ۲ / ۶ - ۱۴

۱۸۷... شیرینی... ۲ / ۶ - ۱۵

۱۸۷... شیوایی... ۲ / ۶ - ۱۶

۱۸۷... رسایی... ۲ / ۶ - ۱۷

۱۸۹... برترین سخن... ۳ / ۶

فصل هفتم: امیران سخن... ۱۹۵

فصل هشتم: سخنان فراگیر و کامل... ۱۹۹

بخش دوم: سکوت

فصل اول: فضیلت‌های سکوت... ۲۰۵

۱ / ۱ حکمت و دانش... ۲۰۵

۲ / ۱ عبادت... ۲۰۷

۳ / ۱ نور... ۲۰۹

۴ / ۱ برترین اخلاق... ۲۰۹

۵ / ۱. آراستگی... ۲۰۹

۶ / ۱. پرده پوشی... ۲۱۱

۷ / ۱. خیر... ۲۱۱

۸ / ۱. نگاه دارنده... ۲۱۳

۹ / ۱. بهترین یاور... ۲۱۳

فصل دوم: تشویق به سکوت طولانی... ۲۱۵

فصل سوم: ادب سکوت... ۲۲۳

فصل چهارم: آثار سکوت... ۲۲۷

۱ / ۴. برچیده شدن دو دستگی... ۲۲۷

۲ / ۴. رستگاری... ۲۲۷

۳ / ۴. نجات یافتن... ۲۲۹

۴ / ۴. سلامت روح و جان... ۲۲۹

۵ / ۴. ایمن ماندن از سرزنش دیگران... ۲۳۱

۶ / ۴. ایمن ماندن از خشم دیگران... ۲۳۳

۷ / ۴. وقار و شکوه... ۲۳۳

۸ / ۴. عزتمندی... ۲۳۳

۹ / ۴. روایاتی جامع در باره آثار سکوت... ۲۳۵

فصل پنجم: عوامل سکوت... ۲۳۷

۱ / ۵. ایمان... ۲۳۷

۲ / ۵. یقین... ۲۳۷

۳ / ۵. خداترسی... ۲۳۹

۴ / ۵. خردمندی... ۲۴۱

۵ / ۵. دانش... ۲۴۱

۵ / ۶. بردباری... ۲۴۳

فصل ششم: آن جا که سکوت بسیار، زینده است... ۲۴۵

۶ / ۱. هنگام قرائت قرآن... ۲۴۵

۶ / ۲. در کنار جنازه... ۲۴۷

۶ / ۳. هنگام رویارویی با دشمن... ۲۴۹

۶ / ۴. هنگام ایراد خطبه نماز جمعه... ۲۴۹

۶ / ۵. هنگام خشم... ۲۵۱

۶ / ۶. در برخورد با فرد نابخرد... ۲۵۱

۶ / ۷. در راه... ۲۵۳

فصل هفتم: آن جا که سکوت، زینده نیست... ۲۵۵

فهرست تفصیلی

www.hadith.ir